

## شهر خدا: جهانی شدن و مهدویت<sup>۱</sup>

سیدصادق حقیقت

ترجمه: فریبا رضوی

خرد نامه همشهری (شهریور ۱۳۸۵)

اصطلاح «جهانی شدن» در دهه ۱۹۷۰ با هدف توصیف و تعریف شیوه‌های تولید و توزیع در سراسر جهان از بطن ادبیات اقتصادی و مدیریتی برخاست. این اصطلاح از طریق علم جغرافیا و جامعه‌شناسی وارد علوم اجتماعی، و از راه انسان‌شناسی و مطالعات فرهنگی به علوم انسانی راه یافت.<sup>۲</sup> در پی ظهور ایده‌هایی نظیر دهکده جهانی، جهان واحد، جامعه مدنی جهانی، نظام جهانی، فرهنگ جهانی و نظریه‌هایی همچون پایان تاریخ، جهانی شدن را می‌توان ناظر به تحولات مهمی در ارتباطات، فن‌آوری، سرمایه و تولید دانست. گلوبالیسم یا جهانی شدن بدان معناست که رویدادهای یک کشور را نمی‌توان از وقایع کشور دیگر جدا کرد. در نتیجه یک دولت باید مراقب پیامدهای اعمال خود در دیگر کشورها و نیز کشور خود باشد.<sup>۳</sup> این فصل با توجه و تاکید بر حکومت و عدالت امام مهدی (عج) جهانی شدن غربی و جهان گرایی را با هم مقایسه می‌کند. جهانی شدن را می‌توان یک فرایند تلقی کرد. بنابراین، مفروضات این بحث عبارت‌اند از:

۱- جهان گرایی<sup>۴</sup> با جهانی شدن<sup>۵</sup> تفاوت دارد. اعتقاد مسلمانان به یک دولت جهانی واحد با جهان گرایی سازگار است؛ در عین حال این اصطلاح از تلقی اسلامی آن کلی‌تر است.

۲- جهان گرایی و جهانی شدن همپوشانی دارند.

۳- جهان گرایی و جهانی شدن با وجود تشابهاتشان از بسیاری جهات با هم متفاوتند.

تلقی غرب از جهانی شدن و مفهوم اسلامی جهان گرایی هر دو بر این موارد تاکید دارند:

۱- توسعه علم و فن‌آوری،

۲- توسعه و تثبیت یک اقتصاد همگن و منسجم،

۳- تضعیف اقتدار دولت-ملت،

۴- ایجاد یک نظام سلسله مراتبی و شهروندی جهانی،

۵- امور و مسائل فراملی.

---

<sup>۱</sup> . in: *Imam Mahdi, Justice and Globalization*, London, Institute of Islamic Studies, 2004

<sup>۲</sup> . William Maurer, "globalization", p 158.

<sup>۳</sup> . *Cambridge Advanced Learner's Dictionary*

<sup>۴</sup> . globalization

<sup>۵</sup> . globalism

اما این دو مفهوم در رویکردشان به موارد ذیل با هم تفاوت دارند:

۱- رابطه بین دین و سیاست

۲- ولایت الهی

۳- اخلاق و سعادت

۴- عدالت اجتماعی و اقتصادی

۵- جهاد

۶- امت

۷- مسئولیت‌های فراملی

### تعاریف جهانی شدن

جهانی شدن یکی از مهم‌ترین پدیده‌ها در دوران معاصر به شمار می‌رود. این پدیده را به انحاء مختلف تعریف کرده‌اند:

۱- ادغام اجتناب‌ناپذیر بی‌سابقه بازارها، دولت ملت‌ها و فن‌آوری‌ها آن سان که افراد، سازمان‌ها و دولت ملت‌ها بتوانند سریع‌تر، عمیق‌تر و ارزان‌تر از گذشته به اقصی نقاط دنیا دسترسی داشته باشند - گسترش سرمایه‌داری مبتنی بر بازار آزاد در تمام کشورهای جهان نیز از دیگر شاخصه‌های این پدیده است.<sup>۶</sup>

۲- متراکم کردن جهان و افزایش آگاهی از جهان به طور کلی وابستگی متقابل جهان و آگاهی از کل جهان در قرن بیستم.<sup>۷</sup>

۳- فرایندی اجتماعی که در آن موانع جغرافیایی بر سر راه توافقی‌های فرهنگی و اجتماعی کاهش می‌یابند و افراد روز به روز متوجه می‌شوند که کنار می‌روند.<sup>۸</sup>

۴- تحول تاریخی ناشی از مجموعه‌ای از صور و نمونه‌های خاصی که سه فرایند آن‌ها را جهانی می‌کند: گسترش فعالانه اعمال، ارزش‌ها و فن‌آوری و دیگر فرآورده‌های انسانی در سراسر جهان، زمانی که اعمال جهانی و اقدامات دیگر روز به روز بر زندگی مردم تاثیر بیشتری می‌گذارند، و زمانی که جهان کانونی برای فعالیت‌های انسانی می‌شود.<sup>۹</sup>

۵- یکپارچه‌سازی به تبع قانون بازار در مقیاس جهانی.<sup>۱۰</sup>

<sup>6</sup> . T.L. Friedman, *The Lexus and the Olive Tree*, p. 7-8.

<sup>7</sup> . R. Robertson, *Globalization*, p. 8.

<sup>8</sup> . M. Waters, *Globalization*, p. 3.

<sup>9</sup> . M. Albrow, *The Global Age*, p. 88.

<sup>10</sup> . P. Mc Michael, *Development and Social Change*, P. 149.

۶- شکل غالب جهانی شدن ناظر به تحولی تاریخی است: در اقتصاد معیشت و نحوه زیستن، در سیاست کاهش میزان نظارت منطقه‌ای و در فرهنگ کاهش ارزش دستاوردهای مشترک. جهانی شدن به مثابه پاسخی سیاسی به گسترش قدرت بازار ظهور می‌کند - این پدیده می‌تواند حوزه‌ای از علم باشد.<sup>۱۱</sup>

۷- مراد ما از جهانی شدن مرحله پیشرفته‌تری از فرایند تحولی است که در آن تمام جوانب اقتصاد - مواد خام، نیروی کار، اطلاعات و حمل و نقل، پول، توزیع و بازاریابی - در مقیاس جهانی در هم ادغام شده یا به یکدیگر پیوند می‌خورند. رسانه‌های جهانی نیز بخشی از الگوی پیچیده جریان اطلاعات در سطح جهانند.<sup>۱۲</sup>

۸- از اقتضات جهانی شدن در اواسط و اواخر قرن ۲۰ ایجاد تحول در ارتباطات، فن‌آوری، سرمایه و تولید بود. شاخصه‌های این تحولات ظهور الگوهای جدید مصرف، رفت و آمد انبوهی از مردم بین دولت‌ها و گسترش هنجارهای جهانی و جنبش‌های اجتماعی پیرامون مسائلی نظیر حقوق بشر، دموکراسی و شناخت محیط زیست هستند.<sup>۱۳</sup>

برطبق هشت تعریف فوق، جهانی شدن را می‌توان گسترش ارتباطات جهانی، سازماندهی زندگی اجتماعی در مقیاس جهانی و افزایش آگاهی جهانی و در نتیجه استقرار و تثبیت جامعه جهانی دانست. داستان نظم جهانی روزافزون ما - «جهانی شدن» - داستان عجیب و نامتعارفی نیست؛ جهانی شدن یک پدیده چندبعدی است. امپریالیسم، نازیسم، شورای همکاری آسیای شرقی، اتحاد جماهیر شوروی، اتحادیه اروپا، سازمان تجارت جهانی، و گسترش فرهنگ مدرن غرب در سراسر جهان را می‌توان به شکلی پیشینه داستان دراز جهانی شدن دانست.

اصطلاح مدرنیزاسیون ناظر به فرایندی است که طی آن ساختارهای جوامع سنتی جای خود را به ساختارهای جدید اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دادند. مدرنیزاسیون را به اشکال مختلف می‌توان تعریف کرد، اما در این جا، صرفاً به ذکر ویژگی‌های عمده آن بسنده می‌کنیم: انسان‌گرایی، ملی‌گرایی، رفاه، فن‌آوری، سرمایه‌داری و مفاهیم جدیدی همچون حقوق بشر. جهانی شدن را اغلب فرایندی می‌دانند که پیشرفت زمانی بی‌وقفه، گسترش مکانی فراگیر و تحول کاملاً اجتناب‌ناپذیر از ویژگی‌های آن است. اما جهانی شدن، انقلاب نیز هست؛ و البته یکی از عمیق‌ترین انقلاب‌هایی که جهان به خود دیده است. در واقع، جهانی شدن اولین انقلاب فراگیر در سطح جهان به شمار می‌رود. از نگاه برخی تحلیلگران، خاصه در کشورهای جهان سوم، جهانی شدن پروژه‌ای است که غرب آن را طراحی کرده است. جهانی شدن اقتدار

<sup>11</sup> . J.H. Mittelman, *The Globalization Syndrome*.

<sup>12</sup> . Kevin Robins, "Globalization", pp 345-346.

<sup>13</sup> . Albert J. Paolini (ed), *Between Sovereignty and Global Governance*, p 165.

دولت را محدود و نسبی می‌کند؛ بازارهای آزاد سرمایه‌داری و جامعه مدنی را از دام حقوقی و منطقه‌ای دولت و ملت می‌رهاند و در نتیجه به ادغام و وحدت خاص دولت و ملت که از بطن مدرنیته غرب برخاست و دست کم به عنوان الگویی برگرفته از انقلاب فرانسه در سطح جهان نهادینه شد، پایان می‌دهد. جهانی شدن به معنای پایان دولت‌ها یا ملت‌ها و ملی‌گرایی نیست، بلکه به معنای پایان ادغام آن‌ها در دولت - ملت مستقل منطقه‌ای است.

### برخی چالش‌های جهانی شدن

جهانی شدن ظاهراً نقشی منحصر به فرد و تعیین‌کننده در دنیای معاصر دارد. پیشرفت آن، اما، عاری از چالش نیست. جهانی شدن به دلایلی چند شرایط را برای محلی شدن آماده می‌کند که همانا تلاش‌های متعدد برای ایجاد هویت‌های مشخص - کشورها (ملی‌گرایی یا جدایی‌طلبی) نظام‌های دینی (احیاگری دینی)، فرهنگ‌ها (جنبش‌های فرهنگی یا زبانی) یا گروه‌های صاحب منافع است. به همین دلیل، رولند رابرتسون اصطلاح جهانی شدن یا **globalization** را وضع کرده است. سیاست هویت همواره ناظر به رقابت بر سر منابع کمیاب است. پیش‌فرض تجهیز موفقیت‌آمیز بر مبنای هویت‌های مشترک، این عقیده عام است که منابع به طور ناعادلانه بین گروه‌های مختلف توزیع شده‌اند.

مدرنیزاسیون و جهانی شدن تفاوت‌ها و تمایزها را فعلیت بخشیده و آتش‌درگیری را شعله‌ور می‌سازند. از دیگر سو، تشابه، برابری و بی‌عدالتی را به لحاظ ایدئولوژیک کنار می‌زند. بسام طیبی<sup>۱۴</sup> معتقد است گرایش عمده در سیاست جاری جهان همزمانی جهانی شدن ساختاری و پراکندگی فرهنگی است. وی یکپارچه‌سازی و دستاوردهای جهانی شدن، از نمونه‌های عینی تجارت گرفته تا اشکال نیمه‌پیدای سیاسی حقوقی آن نظیر نظام بین‌المللی دولت ملی را صرفاً پوششی نازک می‌داند که جهانیان را فرا گرفته است؛ پوششی که ارتباط چندان عمیقی با آداب و رسوم فرهنگی پایدار آن‌ها ندارد. پراکندگی فرهنگی که در قالب قدرت دولت ملی رخ می‌نماید، زیر جریان سریع و آسان فن‌آوری نظامی و اطلاعاتی که هر دو مولود جهانی شدن هستند، تضعیف می‌شود. آن‌جا که دولت - ملت از حمایت از استقلال تاریخی و مردمی محروم می‌شود، درگیری قومی - مذهبی جایگزین آرمان ملی می‌شود. همزمان فرایند جهانی شدن تاثیر مخرب و تلخی بر سازماندهی و اعمال قدرت می‌گذارد. ملت‌ها به مثابه محرکان اولیه اقتصاد بین‌المللی در

دنیای امروز اهمیت خود را از دست می‌دهند. به علاوه، فن‌آوری‌های جدید نیز عاملان بین‌المللی در سراسر جهان (نظیر تاجران، تروریست‌ها و افراد بانفوذ) را قدرتمند می‌کنند.<sup>۱۵</sup>

جهانی شدن مسائل و مشکلاتی را در سطح جهان ایجاد می‌کند؛ از آن جمله‌اند: تحلیل رفتن لایه اوزون، ناپایداری آب و هوا و مهاجرت توده‌ها. در عین حال، این پدیده منبع خیر و اراده‌ای را که سبب همکاری در سراسر این کره خاکی آسیب‌پذیر می‌شود و برای رفع این مشکلات ضروری است، از میان می‌برد. جهان‌گرایی اعتقادی است که بر اساس آن وضعیت همسایه ما حتی در دوردست‌ها بر یکایک ما تاثیر می‌گذارد؛ و در نتیجه مستلزم توجه و عمل ماست. ما به قدر کافی شاهد بلایای طبیعی در اکوسیستم حساس و آسیب‌پذیرمان هستیم، ما زمین را به چالش با خیر و توانایی‌های انسانی‌مان فرا می‌خوانیم - ما نمی‌توانیم از عهده آسیب دیگری که ناشی از جهانی شدن است برآییم. به علاوه، ما نمی‌توانیم بگذاریم جهانی شدن ما را از عشق، مراقبت از یکدیگر، همکاری و مشارکت دور کند. سرنوشت کره خاکی اکنون در تعادل رقم می‌خورد.<sup>۱۶</sup>

### جهانی شدن و دین

اسلام را از یک جهت می‌توان ضد جهانی شدن دانست، بدان معنا که جهانی شدن - دست کم در شکل غالب آن - اساساً ناظر به گسترش چرخه اقتصادی در زندگی ما به قیمت ایجاد مشکل برای چرخه‌های فرهنگی، اجتماعی و معنوی است. این پدیده می‌خواهد اقتصاد سرمایه‌داری جهانی را وارد تک‌تک ساحت‌های زندگی ما کند. علاوه بر این که جهانی شدن لازمه نظریه داروینیسیم اجتماعی است؛ نظریه‌ای که می‌گوید سرمایه‌دارترین‌ها باید رهبر و رئیس دنیا باشند. سرانجام، این که جهان‌گرایی ایده پیشرفت و کمال، ایجاد جامعه‌ای کامل، جهانی علمی/پوزیتیویستی، زدودن دین و بی‌منطقی از تاریخ انسان را دنبال می‌کند. آخرین فن‌آوری که به این آینده ارزانی می‌شود، مهندسی ژنتیک است که جهانی با انسان‌های بی‌عیب و نقص ایجاد می‌کند. اسلام از حیث تحلیل گفتمان یکی از نقادان گفتمان‌های جهانی شدن و توسعه فضای اقتصادی برای تحقق رویاهای غرب است؛ اما حتی زمانی که اسلام می‌کوشد فرصت‌های جدیدی برای جهان‌گرایی ایجاد کند، از نقاط مثبت جهانی شدن بهره می‌برد. افزون بر این، جهانی شدن را می‌توان یک نظام هژمونیک دانست که نظام‌های اقتصادی سرمایه‌داری جهان پس از جنگ سرد با هدف تقویت منافع اقتصادی و سیاسی خود آن را مطرح کردند. این همان چیزی است که مسلمانان آن را

<sup>15</sup> . John Boak, "Cultural Fragmentation, Globalization and International Morality".

<sup>16</sup> . Sohail Inayatullah, "Islamic Civilization in Globalization: From Islamic futures to a Postwestern civilization".

تهدیدی گسترده وجدی برای ثبات و اقتدار فرهنگی خود می‌دانند. از این رو است که عمده واکنش‌ها علیه جهانی شدن در جهان اسلام صبغه فرهنگی دارد. در عین حال، بسیاری انتقادات نیز در قالب تعبیر اقتصادی و بومی مطرح می‌شود. اعلامیه جهانی حقوق بشر مشخصاً تصریح می‌کند که افراد واحدهای کلیدی جامعه‌اند؛ و بدین سبب، بر برابری و ارزش غایی آن‌ها تاکید می‌کند. این سند با این ادعا آغاز می‌شود که شناخت کرامت ذاتی و حقوق یکسان و مسلم تمام اعضای خانواده انسان همانا برقراری آزادی، عدالت و صلح در سراسر جهان است.

با وجود این، اسلام انسان را رها نمی‌کند و حفاظت‌های مختلفی برای او قرار داده است. آن‌جا که طرفداران حقوق بشر با استفاده از «حقوق» و راه‌هایی که فراتر از اختیار دولت‌هاست از افراد حمایت می‌کنند، اسلام با تاکید بر نیاز مشترک به حفظ یک جامعه عادلانه، چتر حمایتش را بر سر فرد می‌گشاید. هر دو طرف افراد را درک کرده و می‌پندارند که آن‌ها نیازمند حمایتند؛ هرچند تفاوت‌هایی در این بین مشاهده می‌شود. به عقیده جک دانلی، «در عوض، عدالت به مثابه یک حق در اسلام نشان می‌دهد که برقراری عدالت وظیفه حاکمان است، حال آن‌که حق آزادی صرفاً وظیفه‌ای است که نباید آن را ناعادلانه به بند کشید. در واقع، حقوق اقتصادی و وظایفی برای امرار معاش و کمک به فقر است، حال آن‌که حق آزادی بیان در عمل، برای گفتن حق واجب است، البته منظور آن است که این حق، وظیفه دیگران نیست بلکه وظیفه خود صاحب حق است!»<sup>17</sup>

بنابراین، اسلام جامعه را بالاتر از فرد قرار می‌دهد، در عین حال، همچنان «عدالت» را ارزشی محوری و اصلی می‌داند. در مقابل، ایده‌آل‌های حقوق بشر ارزش غایی فرد را مفروض می‌گیرند. این تفاوت بر جداسازی دین‌مدارانه این آرمان‌ها تاکید می‌کند. تفاوت بین سکولاریستی و اومانستی غرب با اسلام در این جاست که خود را نشان می‌دهد.

## جهان‌گرایی ودین

جهان‌گرایی با نوعی جهانشمولی یا یونیورسالیسم در ارتباط است. اصول جهانشمول را می‌توان اصولی دانست که برای تمام مردم جهان حائز اعتبار است. همچنین، می‌توان آن را آموزه‌ای در نظر گرفت که بر اهمیت این اصول تاکید می‌کند. این پدیده عموماً به دلیل تفکر خاص گرامر مورد انتقاد یا در تقابل با آن قرار می‌گیرد. تفکر خاص گرامر یعنی ارزش‌ها و اعمال تنها برای یک گروه خاص در مجموعه خاص خود به مثابه مبنایی برای یک هویت مجزا معتبر است.

---

<sup>17</sup> . Jack Donnelly, ۲۰۰۴p 306.

با این همه، اصول حقوق بشر را می‌توان اصول جهانی در نظر گرفت. ناقدان جهانشمول‌گرایان تفکرهای خاص‌گرایی هستند که عبارت‌اند از: ملی‌گرایی‌ها، وطن‌پرستی‌ها و دیدگاه‌های محدودی که یک گروه یا جامعه‌ای را بالاتر از دیگری قرار می‌دهند. نامیدن اولین سند عمده حقوق بشر با عنوان «اعلامیه جهانی حقوق بشر» اتفاقی نیست. این سند اولین مجموعه ایده‌آل‌های جهانی است که تمام دولت‌ها و ملت‌ها برای آن تلاش می‌کنند. در نهایت، می‌توان گفت که در چنین شرایطی دو یونیورسالیسم متضاد قابل بررسی است: نظام جهانی دولت - ملت در برابر اسلام در معنا و تلقی کلی و عام آن.

براساس سند مارک فدرمن، روح جهانی و جهان‌گرایی با جهانی شدن و دهکده جهانی و اقدامات بین‌المللی و یا فراملی تفاوت دارد. باعث دلگرمی است که بدانیم یک دهکده جهانی آشوب‌گر و آتارشیک نیست؛ اما باید عدم انسجام آزاردهنده، عدم آرامش، غیریکنواخت بودن و تقسیم‌بندی آن را تحمل کرد. «ایسم» مستلزم عملی است که شخص صاحب «ایسم» باید انجام دهد. برخی «ایسم‌های» رایج عبارت‌اند از: بودیسم، کمونیسم، ناسیونالیسم. «یت» ظاهراً کیفیتی است برخاسته از چشم‌اندازی بیرونی، نظیر ملیت که حکومت به شما می‌دهد، یا به واسطه این که شما در منطقه خاص به دنیا آمده‌اید به شما اطلاق می‌شود.<sup>۱۸</sup>

برخی نویسندگان نظیر باربر اصطلاح «جهان‌گرایی» را برای تمدن غربی به کار می‌برند و رفتار و نظام قبیله‌ای یا tribalism را برای اسلام و سایر ادیان مورد استفاده قرار می‌دهند.<sup>۱۹</sup> این گونه تعبیر به نوعی جانب‌گرایانه به نظر می‌رسد. ژان فرانسوا رول اصطلاحات ضدجهان‌گرایی و ضدآمریکاگرایی را نیز به همین معنا به کار می‌برد.<sup>۲۰</sup> برخی نیز از اصطلاح «ضدتوریسم» در برابر ضدجهان‌گرایی سخن می‌گویند.<sup>۲۱</sup> بنا بر این تعریف، ما می‌توانیم از این اصطلاح برای بیان نئولیبرالیسم استفاده کنیم؛ اما ترجیح آن است که واژه «جهان‌گرایی» را برای ادیانی همچون اسلام و یهود در برابر اصطلاح «جهانی‌سازی» غرب به کار برده شود. هرچند اصطلاح جهان‌گرایی ابتدا برای سیاستهای کشورهای غربی در مصاحبه با کوین دناهر در آوریل ۲۰۰۰ به کار رفت، اما می‌توان از آن برای ادیان در معنای وسیع‌تری استفاده کرد. جهان‌گرایی بیانگر آن است که رویدادهای یک کشور را نمی‌توان از وقایع کشور دیگر جدا کرد؛ و یک دوست باید مراقب پیامدهای اعمال خود در سایر کشورها و نیز کشور خود باشد. یک جهان‌گرا شخصی است که معتقد است یک کشور باید به پیامدهای اعمال خود در کشورهای دیگر توجه داشته باشد. به عنوان مثال،

---

18 . [John Ralston Saul](#), "The end of globalism".

19 . [Benjamin R. Barber](#), [Andrea Schulz](#), "Jihad vs. McWorld: How Globalism and Tribalism Are Reshaping the World".

20 . Jean-Francois Revel, "Anti-Globalism=Anti-Americanism".

21 . Mohamed Sid-Ahmed, World Social Forum.

می‌گوییم: «او یک جهان‌گرا است، حال آن‌که ما ناسیونالیست‌هایی هستیم که ابتدا به کشور خود توجه داریم».<sup>۲۲</sup>

سازمان بین‌المللی کار (ILO) جهانی شدن و جهان‌گرایی را دو تعبیر از یک پدیده می‌داند، جهانی شدن یک فرایند و جهان‌گرایی یک رویکرد است. برخی نویسندگان ترجیحاً بین این دو مفهوم تمایز می‌نهند و معمولاً چنین اراده می‌کنند که جهانی شدن بد، و جهان‌گرایی خوب است.<sup>۲۳</sup> اما این دو مقوله یا مفهوم در نوشتار حاضر نه مثبتند، و نه منفی، اما معانی‌شان متفاوت هست. «جوزف نای» تفاوت‌های اساسی بین این دو مفهوم را مشخص می‌کند. جهان‌گرایی ناظر به حقیقتی است که ارتباطی درونی دارد، در حالی که جهانی شدن ناظر به سرعت افزایش یا کاهش این روابط است.<sup>۲۴</sup> تعریف او نسبت به تعریف ILO ترجیح دارد؛ چراکه او این دو اصطلاح را ناظر به یک پدیده نمی‌داند. ریچی جهانی شدن را فرایندی می‌داند که طی آن شرکت‌ها پول، کارخانه‌ها و محصولات خود را در سراسر دنیا با سرعت هرچه بیشتر به منظور جلب نیروی کار ارزان‌تر و مواد خام به چرخه می‌اندازند. این پدیده شاخصه دولت‌هایی است که مصرف‌کننده، نیروی کار و قوانین حفاظت از محیط زیست را نادیده می‌گیرند یا نقض می‌کنند. جهانی شدن به مثابه یک ایدئولوژی کلاً آزاد از هرگونه ملاحظه اخلاقی است. در مقابل، جهان‌گرایی اعتقادی است که براساس آن این کره خاکی از آن همه ماست و بقای آن مستلزم احترام متقابل و برخورد صحیح با زمین و تمام ساکنان آن است. جهان‌گرایی همچون تمام ارزش‌ها و باورهای اخلاقی مستلزم خلاقیت در زندگی روزانه ماست. گسترش ارتباطات به منظور ارتقای سطح درک و فهم، تقسیم منابع موردنیاز بر مبنای عدالت و کمک به یکدیگر در مواقع اضطراری سه عملکرد مهمی است که جهان‌گرایی را در بر گرفته‌اند.<sup>۲۵</sup>

این تمایز بین جهانی شدن و جهان‌گرایی تنها در دو مورد اهمیت دارد: نخست آن‌که جهانی شدن مسائل و مشکلات بسیاری را پدید می‌آورد که ما نه می‌توانیم از عهده آن‌ها برآییم، و نه می‌توانیم کلاً آن‌ها را نادیده بگیریم. دوم آن‌که جهان‌گرایی حقیقی تنها سلاح ما برای پرداختن به نابسامانی اجتماعی، بومی و اقتصادی است که علت آن جهانی شدن لجام‌گسیخته و خشونت‌های سیاسی ناشی از جنگ و خشونت‌های شخصی مربوط به جنایت، نژادپرستی و بیگانه‌ستیزی است. بدین ترتیب، جهانی شدن احساسات جهان-

---

22 . [www.freesearch.co.uk/dictionary](http://www.freesearch.co.uk/dictionary).

23 . ILO (International Labour Organization).

24 . [Joseph Nye](#), "Globalism Versus Globalization".

25 . Mark Ritchie, "Globalization vs. Globalism, International Forum on Globalization".



گرایی، یعنی عشق و توجه به همسایگان ما در کره خاکی را از میان می‌برد و در عین حال شرایط اقتصادی و بومی ایجاد می‌کند که بیشتر نیازمند جهان گرایی است.

### تشابهات بین جهانی شدن و جهان گرایی

همان‌گونه که ذکر آن رفت، اسلام را می‌توان ناقد گفتمان جهانی شدن و گسترش رؤیاهای اقتصادی آن دانست. این مسئله زمانی خطرناک‌تر می‌شود که بدانیم جهانی شدن در مرحله بعدی احتمالاً می‌کوشد به ایده‌های تاریخی نظیر حقیقت، واقعیت، طبیعت و استقلال پایان دهد. در دنیایی که به شدت در حال تغییر و تحول است، اسلام می‌تواند به منظور ایجاد نگرش اخلاقی به جامعه جهانی، به جای نگاهی که جهانی شدن ارائه می‌کند، با دیگر گفتمان‌های مشابه ارتباط برقرار کند. جهانی شدن هم در ابعاد اقتصادی و فن‌آوری، و هم در ابعاد دیگر آگاهی از وضعیت خوف و رجای انسان است؛ پاسخ به غلبه بازار و دولت (جامعه جهانی برخاسته از سازمان‌های بین‌المللی) تلقی می‌شود؛ حاکمیتی هم از بالا و هم از پایین است؛ و درنهایت، هم امتداد و گسترش زمان (ایجاد یک گفتمان درازمدت در آینده) و هم حذف آن (ایجاد واسطه مکان) به شمار می‌آید.

تشابهات صوری بین جهانی شدن غرب و مکتب جهانی امام مهدی (ع) عبارت‌اند از:

۱- رشد علم و فن‌آوری: به طور کلی در دنیای جهانی شده، علم به دلیل سرعت گسترش فن‌آوری، دانش و رسانه‌های گروهی رشد می‌کند. دانشمندان سراسر جهان در پژوهش‌های خود با هیچ مانعی روبه‌رو نیستند. در حکومت امام مهدی (عج) تمام جوانب علم روشن و مشخص خواهند شد. بنا بر روایات، دو حرف از ۷۲ حرف مربوط به علوم پیش از ظهور امام مهدی (ع) کشف خواهند شد؛ و مابقی در زمان حضور شخص آن حضرت کشف خواهند شد. ظهور ایشان مستلزم و متضمن تمدن جهانی است که در آن امکان برقراری ارتباط مستقیم افراد وجود خواهد داشت.

۲- ایجاد و تثبیت یک اقتصاد همگن و یکپارچه: همان‌گونه که ذکر آن رفت، ایده‌های اصلی جهانی شدن اقتصاد و تحول‌اند. حامیان این پدیده در پی جامعه‌ای عاری از فقر و بی‌عدالتی‌اند. همان‌گونه که در بخش بعدی نیز ملاحظه خواهیم کرد، در حکومت امام مهدی (ع) نیز فقر ریشه کن خواهد شد. بنا بر احادیث، در آن زمان هیچ فقیری وجود ندارد که بتوان به او صدقه دارد، چراکه همه ثروتمند می‌شوند و اقتصاد و جامعه رونق گرفته، شکوفا خواهد شد.

۳- تضعیف استقلال دولت- ملت: یکی از استلزامات جهانی شدن تضعیف و از میان رفتن مرزهای دولت- ملت است. اقتصاد و تجارت از یک سو، و فرهنگ و رسانه‌ها از دگر سو هیچ محدودیتی نمی‌شناسند. جامعه اسلامی، امت، خاصه در زمان امام مهدی (ع) بر ایمان و اعتقاد استوار و مبتنی خواهد بود. بنا بر عقاید اسلامی، تمام مسلمانان با هم برادرند و هیچ‌گونه تفاوتی نه از حیث نژاد و نه از لحاظ ملیت بین آنها وجود ندارد.

۴- ایجاد یک نظام سلسله مراتبی و گونه‌ای شهروندی جهانی: در یک دنیای جهانی شده و در حکومت امام مهدی (ع) نوعی ارتباط و آگاهی جهانی وجود دارد؛ و شهروندی مبتنی بر دولت- ملت از میان خواهد رفت.

۵- امور و مسائل فراملی: فراملی‌گرایی یک پدیده جهانی است. این پدیده ناظر به بافت جهانی شدن و ناپایداری اقتصادی است که ایجاد شبکه جهانی را تسهیل می‌کند. نهادینه شدن آن مستلزم هماهنگی فعالیت‌هایی است که اغلب بر تمایلات عینی و ذهنی مشترک و علائق تمام اعضا مبتنی است. به علاوه، از دیگر الزامات تحقق این امر هماهنگی منابع، اطلاعات، فن‌آوری و کانون‌های قدرت اجتماعی در سراسر مرزها برای مقاصد فرهنگی، سیاسی و اقتصادی است. تحول روزافزون ارتباطات، این روابط فرامرزی را تقویت کرده و سبب تحرکات سیاسی و اجتماعی در آن سوی مرزها شده است.

دولت- ملت برطبق علائق و گرایش‌های ملت خود عمل می‌کند. جهانی شدن علائق ملی را به دغدغه‌های بین‌المللی تبدیل می‌کند. در کتاب *مسئولیت‌های فراملی در سیاست خارجی دولت اسلامی* توضیح داده شده که مسئولیت فراملی، حداقل در برخی موارد، در قیاس با گرایش‌های ملی برای دولت اسلامی اولویت بیشتری دارد.<sup>۲۶</sup> جهانی‌سازی غربی ممکن است علائق و گرایش‌های ملی را به اسم مسئولیت‌های بین‌المللی دنبال کند و این مطلب نشانگر ماهیت منفعت- محور جهانی شدن است که با ماهیت فضیلت- محور جهان‌گرایی اسلامی در تضاد است.

### مکتب جهانی امام مهدی (ع) در برابر جهانی شدن غربی

بنابر روایات معتبر، حضرت مهدی (ع) از خاندان پیامبر (ص) و ذریه حضرت فاطمه (س) است؛ در یک شب در آخرالزمان و قبل از قیامت ظهور می‌کند؛ هم نام محمد (ص) است؛ زمانی که بی‌عدالتی و ظلم زمین را فرا گرفته و مومنان به شدت گرفتار ظلم و ستم شدند، ظهور می‌کند؛ به هنگام ظهورش زمین به شدت خواهد لرزید و گیاه سبز (در عربستان) می‌روید؛ جهان را سرشار از عدل و قسط می‌کند؛ شتابان از

<sup>۲۶</sup>. سید صادق حقیقت، *مسئولیت‌های فراملی در سیاست خارجی دولت اسلامی*.

مدینه به مکه می‌آید و در آن جا مردم با او بیعت خواهند کرد؛ وی بیعت را می‌پذیرد و از عراقی‌ها و ایرانی‌ها استمداد می‌کند؛ نبرد می‌کند؛ بر اساس سنت، به مدت هفت سال حکمرانی می‌کند؛ عدل و قسط را در سراسر جهان می‌گسترده؛ ظلم و فساد و بیدادگری را ریشه کن می‌کند؛ در مکه نمازی می‌خواند که عیسی نیز به او اقتدا می‌کند، هر چند مسیح موعود نیست؛ و همانند پیامبر (ص) زندگی و عمل می‌کند. تا این جا تشابهات جهانی شدن غربی و جهان گرایی را بررسی کردیم. اکنون، می‌توانیم تفاوت بین این دو را بررسی کنیم:

۱- **رابطه بین دین و سیاست:** جهانی شدن مانند مدرنیسم بر سکولاریسم مبتنی است؛ اما در حکومت اسلامی و مهدوی دین و سیاست به هم مربوطند. چشم‌انداز جهانی شدن، اغلب، واقعیت اجتماعی جهانی را یک جامعه جهانی واحد تلقی می‌کند. بنابراین، سکولاریزاسیون را باید اساساً در آن جامعه فهمید. اگر سکولاریزاسیون جامعه جهانی را به طور جدی بررسی کنیم، باید جهان را به طور کلی بستر آن در نظر بگیریم.

۲- **ولایت الهی:** مشروعیت هنجاری پاسخگوی چگونگی اعمال قدرت است. براساس نظریه قرارداد اجتماعی، دلیل مشروعیت دولت‌های مدرن رضایت مردم است. اما دلیل مشروعیت حکومت امام مهدی (ع)، ولایت الهی است. ناگفته پیداست که اختیار تام او تعارضی با رضایت مردم ندارد. در احادیث می‌خوانیم که مهدی سرور جهان از غرب تا شرق خواهد شد. در برخی احادیث اشاره شد که حکومت او ابرقدرت‌ها را محدود خواهد کرد. امام علی (ع) فرمود: زمانی که او از خاندان محمد (ص) ظهور می‌کند خداوند ساکنان شرق و غرب عالم را گرد او جمع می‌کند.»

حضرت علی (ع) فرمود که از پیامبر (ص) پرسیدم:

«آیا مهدی از خاندان ماست یا از خاندان دیگری است؟ ایشان پاسخ دادند: او از ماست، خداوند دینش را با او ختم می‌کند، درست همان‌گونه که آن را با ما آغاز کرد. از طریق ماست که مردم از فتنه در امان می‌مانند، همان‌گونه که از طریق ماست که مردم از شرک نجات می‌یابند. افزون بر این، از طریق ماست که خدا دل‌ها را پس از آن که در پی فتنه گرفتار دشمنی شدند به هم نزدیک می‌کند، آن سان که آن‌ها را در دینشان پس از آن که در پی شرک به جان هم افتادند، یکدل و یک‌صدا می‌کند.»<sup>۲۷</sup>

۳- **اخلاق و سعادت:** یکی از تفاوت‌های دولت مدرن با دولت اسلامی آن است که دولت اسلامی اخلاق‌محور است. هدف حکومت حضرت مهدی (ع) صرفاً رفاه و امنیت نیست، بلکه تعالیم الهی و سعادت نیز از جمله اهداف حکومت آن حضرت‌اند. ظهور امام مهدی (ع) مستلزم و متضمن محو کامل

27 . Sohail Inayatullah, Ibid.

ملزومات اخلاقی گذشته یا به اصطلاح «تحول ارزش‌ها» است. دل‌ها به دلیل جریان دائمی اعمال غیراخلاقی و خشونت‌آمیز به تیرگی گراییده، و تنها راه نجات از آن کنار گذاشتن و محو تمام انحرافات و نابهنجاری‌هاست. این مسئله ناشی از مبنای کمابیش اقتصادی تلقی غرب از جهانی شدن در برابر مبنای عمدتاً فرهنگی تلقی اسلام از جهان‌گرایی است.

**۴- عدالت اقتصادی و اجتماعی:** اگر واقع‌بینانه بنگریم، ابرقدرت‌ها همواره منافع خود را مبنا قرار داده‌اند. همچنین، جنگ‌های درون‌ادیان بین قوی و ضعیف بسیار مهم‌تر از گفت‌وگوی تمدن‌هاست. حتی اگر یک نظام جهانی جدید پدید آید، این نظام نظامی غربی و تکنوکرات و مبتنی بر عقایدی است که تنها و تنها برای مبنای غربی معنا دارند. اغنیا به ساختارهای مطمئن خود پناه می‌برند؛ و بی‌عدالتی و نابرابری جهانی شدن غربی شکاف بین فقیر و غنی را دامن می‌زند. به اعتقاد «هرل»، تراکم و افزایش نابرابری‌های ثروت، قدرت و امنیت، جهان ما را شکل می‌دهند. عناصر جهانی شدن نابرابری‌های نفوذ و قدرت سیاسی را افزایش می‌دهند، به علاوه ابعاد این نابرابری را برجسته می‌کنند.<sup>۲۸</sup>

برای ایجاد آینده‌ای بر اساس امت، برابری و عدالت دو شرط اولیه به شمار می‌روند. این به معنای تعهد برای ریشه‌کنی فقر است. این مطلب به معنای فراتر رفتن از بحث توسعه است، چراکه نظریه توسعه صرفاً به رویکرد انتقادی نیاز دارد. اهل سنت و شیعیان از پیامبر (ص) در مورد مهدی نقل کرده‌اند که: «خداوند مهدی (که از خاندان من است) را درست پیش از روز قیامت از غیب خارج خواهد کرد، حتی اگر تنها یک روز از حیات جهان باقی باشد و او عدل و برابری را در زمین خواهد گسترد و ظلم و ستم را ریشه‌کن خواهد کرد.»<sup>۲۹</sup>

ابوسعید الخدری نقل می‌کند که پیامبر (ص) فرمود: «مهدی ما جهان را سرشار از عدل می‌کند آنگاه که از ظلم و بی‌عدالتی مشحون شود. او هفت سال حکومت خواهد کرد.»<sup>۳۰</sup> او ثروت را به مساوات تقسیم می‌کند و عدالت را در میان مردم اجرا خواهد نمود.

**۵- جهاد:** واژه «جهاد» به همراه چندین مفهوم برجسته دیگر وارد گفتمان رسانه‌ای و سیاسی بین‌المللی شده است. جهاد را می‌توان کمابیش مبارزه برای امری مقدس تعریف کرد. این اصطلاح اساساً ناظر به کوشش یا مبارزه شخصی فرد علیه ناکامی‌ها و ضعف‌های اخلاقی خود اوست که خود شامل مبارزه علیه

---

<sup>28</sup> . Andrew Hurrell (and Ngaire Woods), *Inequality, Globalization and World Politics*, pp 1-2.

<sup>29</sup> . Musnad Ahmad Ibn Hanbal, Vol. 1, P. 99. Bihar al-anwar, Vol. 51, P. 75.

<sup>30</sup> . Abu Dawud, Sahih, Vol. 2, p. 208; Fusul al-muhimma, p. 275. See also: Bihar al-anwar, Vol. 51, P. 66.

تکبر، ترس، اضطراب و تعصبات است. از پیامبر اسلام (ص) روایت شده که این مبارزه وجودی شخصی را «جهاد اکبر» نامیده‌اند. در کنار این جهاد اکبر، جهاد اصغر قرار دارد. این جهاد ناظر به دفاع و حفاظت از خود است که همواره انبوهی از امتیازات و حقوق و خط قرمزهای اخلاقی بر آن حاکم‌اند.<sup>31</sup>

امام موسی کاظم (ع) فرمود: «مهدی کسی است که زمین را از لوٹ و وجود دشمنان الله - عزوجل - پاک خواهد کرد؛ و آن را پس از آن که پر از ظلم و ستم و بی‌عدالتی شده، از عدل و قسط مشحون خواهد ساخت. او به دلیل ترس از جانش به غیبت خواهد رفت.»<sup>32</sup>

در زمان امام مهدی، جهاد علیه کسانی صورت خواهد گرفت که علیه مسلمانان بجنگند، و نه دولت‌های سکولاری که با دولت اسلامی در معاهده هستند.<sup>33</sup>

**۶ - امت:** اندیشه امت (جامعه جهانی متشکل از مؤمنان و غیرمؤمنان) بدیل جهانی سازی غربی تلقی می‌شود. اسلام صمیمانه می‌خواهد افراد را در نظامی طبیعی مجدداً به یکدیگر پیوند بزند. امت، جامعه‌ای روشنگر است. مفهوم «امت» مستلزم سه معناست: ۱- امت مفهومی پویاست که گذشته را بازتفسیر می‌کند؛ و چالش‌های جدید را پاسخ می‌دهد؛ ۲- امت باید بر مسائل و مشکلات جهانی نظیر بحران محیط زیست فائق آید. امت به مثابه جامعه مستلزم تأیید و پذیرش مسئولیت اخلاقی و عملی در برابر زمین به مثابه یک امانت است. ساکنان زمین امانت‌دارانی هستند که باید پاسخگوی وضعیت این کره خاکی باشند. این مسئله دغدغه‌های زیست‌شناختی را به عنصری حیاتی و ضروری در اندیشه و عمل ما تبدیل می‌کند؛ و این نخستین قانونی است که ما باید در آن فعالانه متوجه تغییر امور باشیم. ۳- امت را باید ابزاری انتقادی و فرایندی عقلانی دانست.

همان‌گونه که «عنایت‌الله» معتقد است:

«ایجاد آینده‌ای مبتنی بر امت، مستلزم دو شرط عدالت و مساوات است. این مسئله به معنای نوعی تعهد برای ریشه‌کن فقر و فزونی فقر و فزونی فقر و فزونی فقر است؛ چراکه نظریه توسعه صرفاً مسئله را با زبانی غیرسیاسی بررسی می‌کند. به علاوه، این مطلب حاکی از بازناندیشی در باب تجارت و توسعه، و نیز ابزارهای جدید محاسبه پول و سرمایه‌گذاری برای راه‌ها و ساختار حمل و نقل جدید است. لازم است بدانیم که امت در گذشته ناظر به الگوهای جوامع تکثرگرا، چنددینی، چندفرهنگی و چندنژادی بود. یک امت واقعی و حقیقی به حقوق غیرمسلمانان احترام می‌گذارد.»<sup>34</sup>

31 . [Farish A. Noor](#), *The Evolution of 'Jihad'*.

32 . Kamaaluddin vol.2, p.361 and Kifayatul Asar, p.265-266.

33 . Seyed Sadegh Haghghat, "Jihad from a Shia Hermeneutic Perspective".

34 . Sohail Inayatullah, *Ibid*.

۷- **مسئولیت‌های فراملی:** گفته شد که جهانی شدن و حکومت امام مهدی درخصوص فراملی‌گرایی با هم همپوشانی دارند. اما وظایف و مسئولیت‌های بین‌المللی در حکومت اسلامی از ویژگی‌های خاصی برخوردار است. مسئولیت‌های بین‌المللی دولت اسلامی بر وحی الهی مبتنی‌اند؛ اما امور بین‌المللی ملت‌های مدرن، خاصه در عصر جهانی شدن، بر منافع ملی استوارند. ویژگی فراملی‌گرایی خارج کردن عمل از چارچوب یک منطقه خاص است. از این منظر، ملت (ملیت) بستری قومی ایجاد می‌کند که ناظر به «عدم تجانس فرهنگی» است، درست مانند ملی‌گرایی اقلیت‌ها و همگرایی آوارگان. مفهوم امت به معنای یک جامعه اسلامی متجددانه و جهانی را می‌توان به گونه‌ای تفسیر کرد که تمامی تنوع ملی را همچون جامعه‌ای «سیاسی» مجدداً سامان دهد. بدین ترتیب است که امت از معنا و تعریف سنتی خود فاصله می‌گیرد. امت‌گرایی فراملی (بین‌المللی) تعابیر جدیدی از تعلق و التزام سیاسی و نیز درکی فرامنطقه‌ای از «ملت» پدید می‌آورد.<sup>۳۵</sup>

در مجموع، می‌توان گفت به لحاظ تاریخی، جهانی شدن به دنبال مدرنیته، نظام سرمایه‌داری جهانی و نظام جهانی حکومت آمده است. جهانی شدن پس از مدرنیته داستان‌ها و فلسفه‌های تاریخ را کنار زده، پروژه همگن و هژمونیک جهانی شدن غرب را برجسته می‌کند؛ و نظام جهانی را از تمرکز خارج می‌سازد. جهانی شدن مسلماً پس از نظام سرمایه‌داری جهانی ظهور کرده، اما از سرمایه‌داری محدود به یک منطقه خاص ارضی - حقوقی، و به تعبیری ملی، آزاد است؛ و از این رو، می‌تواند هم به لحاظ کیفی و هم کمی بدون آن‌که در بند اصول اخلاقی، فرهنگی و سیاسی باشد، به پیشرفت خود ادامه دهد. این پدیده که فرایندی متناقض و ناموزون است با فرهنگ‌ها و هویت‌های تکثرگرا و خاص‌گرا در ارتباط است. به گفته «جیمز روزنا» این یک گرایش قدرتمند و البته نوعی محلی شدن است. گویی دو نیرو هستند که یکدیگر را کنار می‌زنند.<sup>۳۶</sup>

این جوانب ما را به مؤلفه‌های مشترک مفهوم غربی جهانی شدن و جهان‌گرایی اسلامی رهنمون می‌شود: ارتقای دانش و فن‌آوری، توسعه و استقرار یک اقتصاد منسجم و همگن، تضعیف اقتدار و استقلال دولت ملت، ایجاد نظام سلسله‌مراتبی و شهروندی جهانی و مسائل فراملی. گفتمان اسلامی، بسان دیگر گفتمان‌های سیاسی، سرشار از ایده‌ها و مفاهیمی اعتباری است که در خدمت مقاصد سیاسی و اجتماعی و اقتصادی قرار می‌گیرد. هرچند تفاوت‌هایی بین رویکردهای دینی در این گونه مسائل وجود دارد، اما در این جا، قصد پرداختن به تفاوت‌های بین رویکردهایی همچون تجددگرایی اسلامی و سنت‌گرایی وجود

<sup>35</sup> . [Riva Kastoryano](#), *The Reach of Transnationalism*.

<sup>36</sup> . James Rosenau, "Powerful Tendencies, Enduring Tensions and Glaring Contradictions: The UN in a Turbulent World", p 260.

نداشته است. به طور کلی، تفاوت‌های اصلی مفهوم غربی جهانی شدن و جهان گرایی اسلامی عبارت اند از:  
رابطه بین دین و سیاست، ولایت الهی، اخلاق و سعادت، عدالت اقتصادی و اجتماعی، جهاد، امت و مسئولیت‌های فراملی.